

نقش و کارکرد بسیج در تحقق انتظام ملی و امنیت داخلی

عباس نیلفروشان^۱، حمید نقی زاده^۲، محمد جوانمرد^۳، مهدی جواهری^۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۲۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۰۴

چکیده:

امروزه پرداختن به موضوع انتظام و امنیت در حوزه‌ها و قلمروهای گوناگون، از بحث‌انگیزترین مباحث سیاسی و استراتژیک به‌شمار می‌آید. عوامل، آرمان و مؤلفه‌های دخیل در انتظام و امنیت نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. با عنایت به تحولات شتابان این حوزه‌ها همچون حوزه‌های دیگر، پی‌درپی بحث‌های جدید و تازه‌ای مطرح می‌گردد. در جمهوری اسلامی ایران، موضوع انتظام و امنیت از یک‌سو از ویژگی‌های خاصی برخوردار است و از سوی دیگر دیدگاه‌های متفاوتی را مطرح کرده است. در این میان، برخی از پدیده‌ها مانند بسیج نیز نقش و کارکردهای ویژه‌ای را در این حوزه‌ها به منصفه ظهور رسانده‌اند. در این تحقیق به روش توصیفی و با رویکرد گردآوری اطلاعات و اسناد کتابخانه‌ای، ضمن مرور مفاهیم کلیدی و اساسی همچون بسیج، فرهنگ، تفکر و تشکل بسیج، انتظام ملی، امنیت ملی و داخلی، در نهایت نقش بسیج در انتظام ملی در حوزه‌های نظامی-امنیتی، سیاسی، اجتماعی-فرهنگی و اقتصادی و همچنین کارکردهای بسیج در حوزه امنیت داخلی در دو سطح سخت‌افزارانه و نرم‌افزارانه تبیین خواهد شد. بسیج که نیرویی مبتنی بر جنبه‌های داوطلبانه، اعتقادی و مردمی است با داشتن توانایی‌های فرهنگی و اجتماعی و گستردگی رده‌های تحت پوشش و بخصوص انعطاف‌پذیری و سرعت عمل، در عین هزینه‌بری اندک، در شرایطی که جمهوری اسلامی ایران با محدودیت‌هایی برای افزایش سطح اقتدار و امنیت ملی جهت مقابله با انواع متفاوت تهدیدات و ناآرامی‌ها مواجه می‌باشد، نقشی حیاتی در تأمین و حفظ انتظام ملی و امنیت داخلی جمهوری اسلامی ایران ایفا می‌نماید.

واژگان اصلی: بسیج، انتظام ملی، امنیت داخلی، کارکرد بسیج، تفکر بسیجی.

۱. دانشیار گروه مشترک دانشگاه جامع امام حسین (علیه‌السلام)، تهران، ایران

۲. دانشجوی دکتری امنیت ملی دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

ahmadian.reza.1396@gmail.com

۳. عضو هیئت علمی گروه اطلاعات دانشگاه علوم نظامی امین، تهران، ایران

۴. عضو هیئت علمی گروه اطلاعات دانشگاه علوم نظامی امین، تهران، ایران

مقدمه

انقلاب شکوهمند اسلامی ایران، با رهبری حضرت امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه) و به دنبال حرکتی مردمی به پیروزی رسید. یکی از بارزترین حرکت‌هایی که فقط در انقلاب اسلامی ایران وجود دارد همین حرکت مردمی و یا بسیج عمومی اقشار مختلف مردم می‌باشد و این حضور عمومی و گسترده مردم در پیدایش انقلاب، حتی در سایر کشورهای جهان همچون انقلاب روسیه و فرانسه نیز اتفاق نیفتاده است. پرواضح است که چنین مشارکت مداوم و فراگیر مردم، به دلیل شعارها و ارزش‌های مطرح شده‌ای در انقلاب اسلامی بود که اکثریت مردم مؤمن و انقلابی آن را پذیرفته بودند. هر چه که از عمر بابرکت انقلاب اسلامی ایران می‌گذرد نقشه‌های دشمنان علیه ملت بزرگ ایران پیچیده‌تر و بیشتر شده است و در این مدت، ضرورت وجود بسیج و سازماندهی بسیجیان نه تنها کاهش نیافته، بلکه از شدت و اهمیت بیشتری برخوردار شده است.

در نظام اسلامی، بسیجی بودن در راستای ادای تکلیف الهی، ارزش محسوب شده و به تبع آن فردی که از چنین روحیه و ارزشی برخوردار باشد بر فردی که از این روحیه و ارزش محروم است ارجحیت خواهد داشت. حاکمیت فرهنگ بسیجی و همچنین مشارکت مردم در تمامی عرصه‌ها (کار، مجاهدت و ایثار)، ضامن دوام و بقای حکومت اسلامی است. تاریخ گواه است، هرگاه مردم با نظام و دولت همراه بودند، هیچ دشمنی نتوانسته برای تضعیف روحیه سلحشوری بسیجی در آن جامعه رخنه و نفوذ نماید. لازم است نیروهای بسیجی و مؤمن یعنی عامه مردم همچون؛ کارمند در اداره، کارگر در کارخانه، دانشجو در دانشگاه، کشاورز در زمین، محصل در مدرسه، طلبه در حوزه، عشایر در صحرا، بازاری در بازار و ... که از ابتدای انقلاب اسلامی تاکنون با تمامی حوادث مواجه شده‌اند را با برنامه‌ریزی مناسب و مستمر، همواره حفظ نمود.

مطالعات و تحقیقات موجود نشان می‌دهد؛ نظم و امنیت از گذشته همواره یکی از دغدغه‌های انسان‌ها و جوامع بشری بوده و دلیل اصلی تن دادن به زیست جمعی، همین مسئله بوده است و همین امر او را به تأسیس نهاد ملی به نام دولت رهنمون ساخت تا بتواند در مقابل گذشتن از بخشی از حقوق و اختیارات فردی خود به منافع حیاتی و مهم دست یابد (افتخاری، ۱۳۸۰: ۲۹-۲۵).

در طول ۴۴ سال از عمر پرفرازونشیب انقلاب اسلامی، همواره دشمنان انقلاب به دنبال ایجاد موانع و مشکلات مختلف در مسیر پیشرفت و تعالی انقلاب بوده و با اقدامات تهدیدآمیز خود از جمله؛ ایجاد آشوب و هرج و مرج، ترور، تخریب و ... موجبات بی‌ثباتی و ناامنی را در سطح

کشور گسترش داده تا بتوانند با از بین بردن انسجام، وحدت و یکپارچگی جامعه، انتظام ملی و امنیت داخلی را به خطر انداخته و باعث براندازی نظام و یا تغییر رفتار آن شوند.

مواجهه و مقابله با انواع حمله‌های دشمن (سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، نظامی، اقتصادی و ...)، مستلزم هوشیار و آسیب‌ناپذیری جامعه اسلامی است، لذا فراهم ساختن بسترهای لازم و مناسب توسط مسئولین و متولیان جامعه به منظور پذیرش بسیج و بالا بردن سطح بصیرت عموم افراد جامعه، اجتناب‌ناپذیر و ضروری می‌باشد. چراکه امروزه، علاوه بر جنبه نظامی، جنبه‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی حمله‌ها و دشمنی‌ها نیز باید مورد نظر قرار گیرند و دشمن با تمام توان خود و با استفاده از همه ابزارها، امروزه به سمت این انقلاب شکوهمند نشانه گرفته است؛ بنابراین از اهم وظایف آحاد ملت، به‌ویژه بسیج، ایجاد آمادگی به منظور تأمین و حفظ انتظام ملی و امنیت داخلی است. در همین راستا شناسایی و تبیین نقش و کارکرد بسیج در تحقق انتظام ملی و امنیت داخلی در راستای بازدارندگی و مقابله با حمله دشمن امری ضروری به‌شمار می‌آید.

این مقاله بر آن است تا ضمن بررسی نظری انتظام ملی و امنیت داخلی، نقش و ویژگی‌های کارکردی بسیج در تأمین و حفظ انتظام ملی و امنیت داخلی کشور را تبیین نماید. در این راستا، پژوهش حاضر در نظر دارد به این سؤال اساسی پاسخ دهد که بسیج مردمی در تحقق انتظام ملی و برقراری نظم و امنیت داخلی چه نقش و کارکردی می‌تواند داشته باشد؟

پیشینه پژوهش

سپهرنیا و شیخی (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان «نقش سرمایه فرهنگی در تأمین امنیت داخلی»، نشان داده‌اند که سه بعد سرمایه فرهنگی (تجسم‌یافته، عینیت‌یافته و نهادینه) در بروز امنیت اجتماعی مؤثر بوده و سهم تبیین‌کنندگی سرمایه فرهنگی تجسم‌یافته در این بین از موارد دیگر مؤثرتر می‌باشد و می‌توان ارتقای امنیت اجتماعی در جامعه را از طریق تولید سرمایه‌های فرهنگی در جامعه و به‌صورت آموزش هدفمند در نظام آموزشی بسترسازی و فراهم نمود.

شفیعی سیف‌آبادی (۱۳۹۸) نیز در مقاله‌ای با عنوان «سردار سلیمانی و بسیج مردمی در عراق و سوریه (زمینه‌های شکل‌گیری تا نقش و نیت شهید سلیمانی)» با تأکید بر شکل‌گیری نهادی مردمی در گفتمان جمهوری اسلامی ایران به نام «بسیج» و تکرار این تجربه در سوریه با نام «نیروهای دفاع ملی» و در عراق با عنوان «حشدالشعبی»، به این موضوع اشاره کرده است که زمینه‌های شکل‌گیری

نیروهای دفاع ملی سوریه در مقولاتی چون اعتراضات مردمی؛ فرصت‌طلبی سلفی‌های تکفیری و ورود خشونت به عرصه اعتراضات؛ ضعف ارتش سوریه و ورود سپاه قدس و استفاده از نیروهای مردمی، قابل فهم است.

امین صارمی، جان‌نثاری و قربان‌زاده (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «اقدامات تعاملی یگان‌های ویژه ناجا با بسیج و تأثیر آن بر امنیت (موردمطالعه؛ امنیت مراسم اربعین حسینی (علیه‌السلام))»، به این نتیجه رسیده‌اند که یگان‌های ویژه ناجا و بسیج با برگزاری جلسات مشترک از طریق تبادل اطلاعات، اجرای طرح‌های مشترک و استفاده از ظرفیت‌های مشترک با تعامل و همکاری در برقراری نظم و امنیت مراسم اربعین حسینی (علیه‌السلام) مؤثر بوده‌اند.

میرزایی (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر افزایش مشارکت و هم‌افزایی بین بسیج جامعه زنان فرهنگی با نیروهای پلیس زن در نهادینه نمودن و ارتقاء فرهنگ نظم و امنیت برای زنان (موردمطالعه: بسیج فرهنگیان خواهران استان ایلام)» مشخص کردند که افزایش مشارکت و هم‌افزایی بین بسیج جامعه زنان فرهنگی با پلیس زنان در نهادینه کردن و ارتقای فرهنگ نظم و امنیت برای زنان، به ترتیب دربرگیرنده عواملی نظیر اجرای دوره‌های آموزشی، تبلیغی و فرهنگی، اجرای رزمایش‌های مشترک، برگزاری نشست‌ها، جشنواره‌ها و همایش‌های مشترک، تلاش برای ایجاد آگاهی‌بخشی، نشاط اجتماعی و پیشگیری از انواع آسیب‌های اجتماعی و امنیتی برای دانش‌آموزان دختر در مدارس و زنان در جامعه، ایجاد احساس تعهد و مسئولیت‌پذیری فردی و اجتماعی در قبال نظم و امنیت زنان در جامعه، افزایش میزان آگاهی و رضایت از عملکرد مطلوب، موفقیت‌آمیز و میدانی پلیس زنان و اعتماد به آن و ارتباط مستقیم و صمیمانه با مجموعه پلیس زنان است.

موسوی، سادات کهکی و صفری (۱۳۹۵) مقاله‌ای با عنوان «نقش بسیج در تأمین امنیت پایدار مناطق مرزی استان آذربایجان غربی» انجام دادند که نتایج آن مؤید نقش بسیار مهم بسیج در تأمین مناطق مرزی بوده و بیان می‌دارد که بسیج با کمک به سازندگی و شناسایی نقاط قوت، ضعف، فرصت و تهدید در راستای همبستگی و توسعه روستا و شهرهای مناطق مرزی نقشی مؤثر داشته و باید در تأمین امنیت پایدار مناطق مرزی حساب ویژه‌ای روی بسیج و نقش آن باز کرد.

همچنین، جزینی، نوایی و محمدی (۱۳۹۲) در پژوهشی تحت عنوان «تعامل نیروی انتظامی با بسیج در پیشگیری از جرائم امنیتی» به این امر مهم تأکید داشته‌اند که در دهه‌های اخیر به‌کارگیری

نیروی بسیج به‌عنوان نیرویی مردمی، یکی از سیاست‌های مؤثر و توسعه‌یافته در پیشگیری از ارتکاب به جرم بوده و میزان مشارکت بسیج با نیروهای انتظامی و همچنین نحوه این مشارکت، با فرهنگ جامعه و نظام سیاسی حاکم، ارتباطی تنگاتنگ دارد. این پژوهش اذعان دارد که از طریق تفکر و ترویج فرهنگ بسیج، پلیس می‌تواند در پیشگیری از جرائم امنیتی با بسیج تعامل داشته باشد و مشارکت‌ها و حمایت‌های نهادی، قضایی و قانونی از مشارکت‌جویان در پیشگیری از جرائم امنیتی به‌ویژه ناآرامی‌ها و اغتشاشات شهری نقش بسیار مؤثری دارد.

عبدالملکی و احمدوند (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «نقش بسیج سازندگی در امنیت پایدار» دریافته‌اند که اقدامات و فعالیت‌های به‌عمل آمده با بیش از صد میلیون نفر ساعت در یک دوره ده‌ساله، در زمینه‌های عمران، آبادانی، کارآفرینی، آموزش، بهداشت، درمان، کشاورزی، محیط‌زیست و منابع طبیعی و فرهنگی، در تسهیل فرایند توسعه پایدار و همچنین حمایت از طبقات محروم جامعه مؤثر می‌باشد. در این فرایند، بسیج ضمن نمایش چهره‌ای کارآمد از نظام اسلامی در مقابله با فقر و محرومیت، پاسخ به نیازهای اولیه مناطق محروم، بهبود رضایت اجتماعی، جلب مشارکت مردمی، تولید قدرت و امنیت نرم در سطح ملی، تقویت سرمایه اجتماعی، امنیت همه‌جانبه و فراگیر را به ارمغان آورده و نگارنده معتقد است؛ به‌عنوان یک راهبرد ملی، توسعه و گسترش دامنه فعالیت‌های بسیج سازندگی می‌تواند، علاوه بر تقویت زیرساخت‌های امنیت پایدار (در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، روانی، فیزیکی، ملی و محلی)، با مشارکت و همکاری آحاد مردم، رسالت حفاظت و حراست از انقلاب اسلامی را تسهیل و تحقق ببخشد.

مفاهیم و ادبیات نظری

بسیج: در فرهنگ فارسی عمید به معنی سامان، اسباب، آمادگی نیروی نظامی و ساز و سامان جنگ می‌باشد (عمید، ۱۳۷۳: ۲۶۹). البته بسیج به معنای بالا بردن سطح امکانات و مقدرات ملی برای مواجهه با شرایط اضطراری نیز استفاده می‌شود. حال آنکه از منظر کاربردی، بسیج همان نیروی داوطلب مردمی است (بزرگ‌زاده، ۱۳۷۷: ۶).

بسیج ملی: یعنی مهیا شدن برای ورود به جنگ یا بحران از طریق سازماندهی و ذخیره‌سازی مواد خام، تمرکز تلاش‌های صنعتی همسو با امنیت ملی و فراخوان و آماده‌سازی کارکنان و نیروهای ذخیره و سایر افراد مشمول خدمت نظامی و همچنین ایجاد و عملیاتی نمودن سازمان‌های

جدید نظامی از غیرنظامیان آموزش ندیده (لکزائی، ۱۳۹۲: ۵۱).

بسیج عمومی: مسلح کردن افراد کشور بدون انضمام به ارتش منظم برای دفاع در برابر خطر خارجی؛ تقویت و توسعه توان رزم کشور با تشکیل سازمان‌های جدید و همچنین افزایش کارکنان نظامی علاوه بر نیروی نظامی حاضر و افراد احتیاط و بسیج کردن منابع ملی به منظور تأمین نیازهای جنگ و الزامات مورد نیاز در شرایط اضطراری یک کشور (آقابخشی، ۱۳۷۵: ۱۵۶).

نظم: کتاب «وبستر» این واژه را این‌چنین تعریف نموده: «در معنای توصیفی آن قرار گرفتن افراد و اشیاء در جایگاه ویژه خودشان نسبت به یکدیگر و یا مجموعه‌ای از مردم که به روال مخصوص قرار گیرند یا در معنای دیگر به نظم قرار دادن یعنی مرتب کردن» (حسینی، ۱۳۹۹: ۲۱). همچنین به معنای جمع کردن اجزای مختلف بر یک شجره و یک سلک و مرتب کردن آن‌ها است؛ به عبارت دیگر قرار دادن هر جز در یک جایگاه خامی و بر یک مبنای ویژه را می‌توان نظم نامید (کلهر، ۱۳۸۸: ۸۶).

انتظام ملی: در معنای انتظام گفته شده است که قرار دادن مرواریدها و امثال آن‌ها در یک ترتیب خاص و مرتب کردن آن‌ها به معنای انتظام است، به عبارت دیگر انتظام که از واژه نظم گرفته می‌شود نیز به معنای فعل و بدن و قرار دادن اجزا در یک سلک خاص است. (حسینی، ۱۳۹۹، ۲۲). اصطلاح انتظام ملی واژه‌ای است که از حیث معنا و جوه متعددی از فعالیت‌های دولت را شامل می‌شود و بر این باور بنیادین استوار است که دولت ابزاری است برای تأمین نظم و اعطای آرامش خاطر به شهروندان (افتخاری، ۱۳۷۹: ۲۸).

رابرت ماندل در چهره متغیر امنیت ملی این نکته را مورد تأکید قرار داده است که مسئله مهم هر نظامی این است که چه میزان از امنیت و برای چه کسی لازم است تا بتوان گفت که آیا آرامش لازم در آن جامعه وجود دارد یا خیر. مسلماً تاریخ بسیار پیچیده‌تر و درهم‌ریخته‌تر از تصویری که اندیشه و نظریات فلسفی از آن به دست می‌دهند. تئوری‌های دولت نیز خصلتی گزینشی و گسیخته دارند و غنای واقعیت تاریخی را منعکس نمی‌کنند (ماندل، ۱۹۹۴: ۱۸).

از یک منظر، دولت کارآمد و موفق دولتی است که بتواند با حاکم ساختن نظم در جوه مختلف حیات اجتماعی شهروندان، نوعی اطمینان خاطر را به آن‌ها بدهد تا از این طریق خود را ایمن حس نمایند (رضازاده، ۱۳۹۴: ۱۰۸). آنچه پیتراف دراگر ادعا نموده پیش از هر چیزی در تحول، الگوی انتظام ملی در جوامع صادق است. به‌گونه‌ای که با گذشت زمان، نظم‌های نوینی

حاکم می‌شوند که تابع اصول و قواعد خاص خود هستند. بر این اساس چنین به نظر می‌رسد که شرایط و مقتضیات مختلف زمانی و مکانی آن اندازه مؤثر هستند که ملل و دول مختلف را به بازنگری در الگوی انتظام ملی خود وادارند. این واقعیت مهم که تغییر در بطن جهان هستی قرار دارد و همین امر شرایط دیروز ما را با وضعیت فعلی و آنچه در آینده پدید می‌آید، یکسان نمی‌سازد، نخبگان هر جامعه‌ای را بدان متمایل می‌سازد تا در هر عصر و زمانه‌ای به طراحی الگویی تازه از انتظام ملی برای سامان بخشی به امور داخلی و خارجی خود همت گمارند (افتخاری، ۱۳۷۹: ۱۵).

ساموئل هانتینگتون در اثر برجسته‌اش با نام «سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی» به‌خوبی این مطلب را درک و بیان داشته است، آنجا که می‌نویسد: «تمایز اصلی و مهم سیاسی میان کشورها، به‌واسطه صورت حکومت نیست بلکه به خاطر درجه حکومتشان است. دولت‌های لیبرالی غرب و کمونیست‌ها، هر دو متعلق به نظام‌های سیاسی کارآمدند و نه به نظام‌های ناتوان، امریکا، انگلستان و شوروی در حقیقت صورت‌های حکومتی متفاوتی دارند، اما همگی قادر به حکومت کردن هستند. تفاوت بین حکومت‌هایی که سیاستشان مبتنی بر مشروعیت، توافق، سازمان، اشتراک اجتماعی، کارآیی و ... است با آن‌هایی که از این نوع کیفیت‌ها برخوردار نیستند، مهم‌تر از تفاوت بین دموکراسی و خودکامگی می‌باشد» (هانتینگتون، ۱۳۸۲: ۵). بدین ترتیب دولت باید بتواند انتظام ملی را تأسیس و صیانت نماید تا بتوان آن را دولتی توانا یا دارای مشروعیت قلمداد کرد.

انتظام ملی هدفی بس بزرگ و عالی به شمار می‌رود که دولت ملی موظف به تحصیل و پاسداشت آن است. برای این منظور دولت امکان آن را دارد تا تمام توان ملی را به استخدام خود گیرد تا از این طریق بتواند نظمی مطلوب را بر جامعه حاکم سازد. از این منظر انتظام ملی متغیر وابسته‌ای است که باتوجه به سه متغیر مستقل «توان نهادسازی»، «توان امنیت نگهداری»، «توان خودبازسازی» قابل‌اندازه‌گیری است (افتخاری، ۱۳۷۹: ۴۰).

امنیت^۱: واژه امنیت، از زبان عربی برگرفته شده و در زبان فارسی نیز متداول شده است. امنیت که از واژه امن نشئت‌گرفته، واژه‌هایی همچون بیمناک نبودن، آرامش یافتن و نترسیدن را متبلور می‌

سازد و در مفهوم مصدری از «الامن» به عنوان دستیابی به آرامش و اطمینان خاطر پس از رهایی از ترس نام برده می‌شود. در فرهنگ لغت معین، امنیت به‌عنوان در امان بودن، ایمن شدن، نداشتن بیم و بی‌بیمی تعریف شده است و همچنین در فرهنگ لغت لاروس واژه امنیت را آرامش روحی و روانی، اعتماد، تفکری که براساس آن ترس، خطر، وحشت و خسران بی‌معنا می‌شود و فقدان مخاطرات، تعریف شده است (حسینی، ۱۳۹۹: ۲۳).

امنیت در لغت به معنای در امان بودن، ایمنی و بی‌ترسی است و این ویژگی در شرایطی حاصل می‌شود که تهدید و خطری وجود نداشته باشد (صدر، ۱۳۷۳: ۷۲). امنیت دارای مرز مفهومی بسیار سیالی است که فهم و کاربرد آن را دشوار می‌سازد. یکی از اختلافات مهم در مفهوم است میزان وسعت مفهوم آن از جهت بخش‌ها و ابعاد است. برخی در بیان مفهوم امنیت به تعاریف ساده بسنده می‌کنند و برخی دیگر با بررسی عمیق‌تر تلاش کرده‌اند تا به چهارچوبی برای بیان مفهوم است دست یابند. به همین جهت به‌طور عمده امنیت را مفهومی فراخ، مبهم، ذهنی، نسبی و قابل انتزاع از سوی نخبگان می‌دانند. همچنین مفهومی غیر توسعه‌یافته، مبهم، نارسا و از نظر ماهیتی، جدال‌برانگیز، شمرده می‌شود (حسینی، ۱۳۹۹: ۲۳)؛ اما به دنبال رشد جوامع انسانی، به تدریج مفهوم امنیت گسترده‌تر و پیچیده‌تر از قبل شده و علاوه بر نبود ترس و تهدید، ضامن حفظ حیات مادی و معنوی و همچنین بیانگر تضمینی برای تعلیم و تربیت، شکوفایی استعدادها، رشد و پیشرفت و توسعه جوامع انسانی می‌باشد (جمشیدی، ۱۳۷۴: ۵۰).

امنیت ملی در گذر زمان

موضوع امنیت ملی از حیث واقعیت امر به نظر می‌رسد، سابقه تاریخی طولانی داشته باشد. اگرچه ممکن است ما در بررسی تاریخی آن، به تعاریفی از این مفهوم مانند آنچه امروزه در متون، گردآوری، تدوین و ارائه می‌شود برنخوریم، ولی به اصل موضوعی که دربردارنده تدابیری باشد که جهت حفظ کشور و امنیت آن از تهاجم خارجی با آشوب‌های داخلی و ناامنی ناشی از راهزنی و اعمال مشابه اتخاذ می‌شده است، خواهیم رسید.

بررسی نظریات اندیشمندان درباره وظایف دولت نشان می‌دهد که این امر همیشه مورد توجه بوده است. ارسطو می‌گوید: «هر دولت فقط به این نکته اهمیت می‌دهد که اتباع خود را از جور و گزند سایر دولت‌ها محفوظ دارد.» (فاستر، ۱۳۶۱: ۲۱۷). در اندیشه هابز که وضع طبیعی شامل

«جنگ همه بر ضد همه» (جونز، ۱۳۶۲: ۱۲۴) است، حکمران بر اثر قدرت و اختیاری که به‌وسیله همه افراد کشور در اختیار او گذارده می‌شود، از چنان قدرت و نیرویی برخوردار می‌گردد که می‌تواند با هراسی که در دل آن‌ها می‌افکند، اراده‌های آن‌ها را به‌صورت واحد درآورد تا بدین طریق صلح و امنیت در درون اجتماع برقرار گردد و مردم با تعاونی برای دفع دشمن خارجی آماده شوند (عرب نصرت‌آبادی، ۱۳۷۶: ۵).

بنا به نظر هافندرون پارادایم امنیت ملی در بستر تاریخی مشخصی ظهور کرد. با تولد دولت ملی در قرن هفدهم میلادی و علاقه‌ای که این موجود به بقای ملی داشت، امنیت ملی امر مهمی محسوب گردید. برای پایان بخشیدن به «جنگ همه علیه همه» و برای تأمین نوعی آرامش داخلی، شهروندان به یک حکمران تسلیم می‌شوند و در عوض، پایان جنگ‌های مذهبی و داخلی را وعده می‌گیرند. در صحنه بین‌المللی، کشمکش دولت‌ها آن‌ها را به جان یکدیگر می‌اندازد. نظام دولت‌های ملی فاقد قواعد و نهادهای مشترک برای تنفیذ و اجرای قوانین است. حکمران، خواه یک شهریار در نظام سلطنتی مشروطه باشد و یا خود شهروندی در یک دموکراسی، موظف به تأمین آرامش داخلی و پاسداری از جان و مال مردم در برابر هرگونه تهدید خارجی است (هافندرون، ۱۳۷۱: ۶-۵).

بنابراین ملاحظه می‌شود که توجه به امر امنیت برای یک سرزمین و یک کشور از دیرباز مورد توجه بوده است و در نظام‌های جدید سیاسی نیز یکی از اهداف و وظایف اساسی و حیاتی دولت‌ها، تأمین امنیت ملی می‌باشد.

دکتر حمید بهزادی از دو معنی برای امنیت ملی اسم می‌برد. در معنی خاص، آن را شامل حفظ وجود خود می‌داند و می‌گوید؛ مقصود از «خود» که حفظ آن امنیت ملی به شمار آمده است عبارت است از چهار ارزش و پدیده ذیل:

- ۱- حفظ جان مردم؛
- ۲- حفظ تمامیت ارضی؛
- ۳- حفظ سیستم سیاسی و اقتصادی؛
- ۴- حفظ استقلال و حاکمیت کشور.

او می‌گوید؛ آنچه در بالا ذکر شد معنی خاص امنیت است که هدف اولیه و انگیزه اصلی رفتار تمام کشورها در صحنه سیاست خارجی به شمار آمده است (بهزادی، ۱۳۶۸: ۱۰۱). درباره معنی

دوم می‌گوید امنیت در یک معنی وسیع و عام دیگری نیز استعمال می‌شود که غالباً در ادبیات روابط بین‌الملل و سیاست خارجی دیده شده است. امنیت ملی در معنی عام کلمه به معنی آزادی از ترس و فقدان خطر جدی از خارج نسبت به منابع حیاتی و اساسی مملکت است.

امنیت حالتی است که منافع فردی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی مردم و تمام افراد جامعه، با مخاطره‌ای جدی روبرو نباشد و در آرامش کامل و بدون وجود هرگونه اضطراب و نگرانی به فعالیت‌های روزمره خود نسبت به تهدیدات داخلی و خارجی، ادامه دهند. درست است که این تعریف نشان‌دهنده نگاه سلبی به مفهوم امنیت در مقابل تهدیدات بوده و آن را کاملاً تهدید محور معرفی می‌کند، لکن از منظری دیگر، نشانگر ماهیت و ذات چنین حالتی می‌باشد (بوزان، ۱۳۷۸: ۲۰). ریچارد اولمان معتقد است: «تهدید نسبت به امنیت ملی عبارت است از؛ یک عمل یا سلسله حوادثی که طی دوره زمانی کوتاه، شرایط و کیفیت زندگی ساکنان یک کشور را به شدت تهدید نماید. ممکن است چنین تهدیدی، رفتار بازیگران حکومتی و یا غیرحکومتی را به شدت محدود نموده و آن‌ها در تنگنا قرار گیرند» (افتخاری، ۱۳۸۱: ۴۹). در جامعه جهانی کشورها به دنبال تأمین منافع ملی و ایجاد امنیت داخلی خود هستند و تلاش می‌کنند از روش‌های مختلف به این امر دست پیدا کنند، یکی از راه‌های رسیدن به این اهداف خصوصاً در جمهوری اسلامی ایران، استفاده و به‌کارگیری نیرویی مردمی تحت عنوان بسیج می‌باشد.

«امنیت ملی به شرایطی گفته می‌شود که در آن شرایط، دولت - ملتی با اطمینان خاطر از فقدان هرگونه تهدید یا اقدامی علیه منافع و ارزش‌های مادی و معنوی خود که آن‌ها را حیاتی قلمداد می‌کند، یا داشتن توانایی مقابله با این تهدیدات و اقدامات، به زندگی ادامه دهد.» (عرب نصرت‌آبادی، ۱۳۷۶: ۱۲).

امنیت داخلی: امنیت داخلی در واقع یکی از حوزه‌های امنیت ملی است. امنیت داخلی شامل جغرافیایی از یک کشور است که جمعیت بومی آن کشور در آن جغرافیا زندگی می‌کنند. لذا، بیش از هر چیز دیگری، امنیت داخلی ناظر بر امنیت مردم کشوری است که تحت یک حاکمیت معین و مشخص زندگی می‌نمایند. برخی اندیشمندان این حوزه معتقدند، جدای از امنیت مردم تحت حاکمیت یک نظام در حوزه امنیت داخلی، امنیت نظام حاکم یا امنیت یک رژیم می‌تواند در مقابل

امنیت مردم قرار گرفته و هم چالش‌برانگیز شود (الکمال السید^۱، ۱۹۹۸: ۴۸).

امنیت رژیم یعنی وضعیتی که در آن وضعیت، ارزش‌های حیاتی رژیم حاکم بخصوص رهبران و سازمان‌های اصلی آن محفوظ بمانند. می‌توان ادعا کرد شرایط مطلوب، شرایطی است که امنیت رژیم در آن شرایط با امنیت مردم همسو باشد. ناهمخوانی این دو، یکی از بسترهای ناکامی راهبردها و سیاست‌های امنیت ملی می‌باشد (زمانی، ۱۳۸۷: ۳۶). به‌منظور پایداری، ثبات و بقای یک ملت، باید امنیت داخلی آن را در سطح قابل قبولی حفظ و همچنین کنترل نمود و این نوع از امنیت مشتمل بر حفظ و توسعه ارزش‌های و منافع حیاتی آن ملت درون حاکمیتی مشخص می‌باشد که باید از وقوع چالش‌هایی که بتواند این منافع را به مخاطره بیندازد، اجتناب کرد. بیشتر اندیشمندان معتقدند که بسیاری از دولت‌های جهان سوم، دولت‌هایی ضعیف می‌باشند و این موضوع به دلیل پایین بودن درجه انسجام اجتماعی و سیاسی آن‌ها می‌باشد (بوزان، ۱۳۷۸: ۱۳۷). با نگاهی دقیق به این موضوع می‌توان گفت که قوام امنیت داخلی وابسته به عواملی است که از ضریب اثرگذاری بسیار زیادی در راستای ایجاد انسجام اجتماعی، سیاسی و مدنی هر ملت و کشوری، برخوردار می‌باشند. لذا در صورت ایجاد هرگونه لغزشی در این عوامل، به‌طور طبیعی وضعیت امنیت داخلی را نیز متزلزل ساخته و در نتیجه ثبات اجتماعی و سیاسی درونی ملت و همچنین نظام با خطر جدی روبرو خواهد شد.

رهیافت‌های کنونی مباحث حوزه امنیت را می‌توان به سه رهیافت اصلی تقسیم‌بندی کرد: اول، رهیافت رئالیستی (واقع‌گرایان) است که در تعریف خود از امنیت و درک خود از تهدید، نگاهی صرفاً نظامی داشته و ضمن تمرکز بر محور دولت، ایجاد زیرساخت‌های نظامی و اعمال بازدارندگی را در آن آورده‌اند. اندیشمندان این گروه شامل بسیاری از صاحب‌نظران روابط بین‌الملل مانند «مورگنتا و ای. اچ. کار» هستند (زمانی، ۱۳۸۷: ۳۶). دوم، رهیافت لیبرالیستی است که در آن، ضمن توسعه مفهوم امنیت، به امنیت فردی و انسانی پرداخته شده است. چراکه لیبرالیست‌ها به دنبال فروپاشی بلوک کمونیستی شرق، به ناتوانی واقع‌گرایان در درک مفهوم امنیت در ابعاد گسترده آن پی بردند و متوجه شدند که به‌رغم پذیرش توانایی مواجهه با تهدیدهای خارجی، باید به ابعاد دیگری از امنیت همچون فردی و انسانی توجه نمایند. سوم، رهیافتی است که اندیشمندان آن شامل آذرومون و

¹ Al-kamel Al-sayyid

باری بوزان می‌باشند به دنبال آن هستند که با ترکیب دو رهیافت پیشین و متمرکز شدن بر امنیت فردی، انسانی، ملی و بین‌الملل، نه تنها با موانع واقع‌گرایان روبرو نشوند، بلکه از تعیین تهدیدهای چالشی لیبرالیست‌ها برای تصمیم‌گیرندگان رها شوند. دولت‌ها در این رهیافت، تلاش می‌کنند از سه نوع تهدید به شدت ممانعت به عمل آورند: ۱. تهدیدات مربوط به تمامیت ارضی؛ ۲. تهدیدات مربوط به امنیت جامعه؛ ۳. تهدیدات مربوط به رژیم (لی نور، ۱۳۸۲: ۳۹).

می‌توان بیان داشت که تمام این سه سطح تهدید، برای امنیت ملی تهدید می‌باشند، لکن مبرهن است که تهدید نوع اول می‌تواند در اثر جنگ تحقق یابد و یا با تهدیدهای حوزه داخلی نیز مورد تهدید قرار گیرد؛ یعنی می‌توان هر سه سطح این تهدیدها را با تهدیدهای موجود در حوزه‌های خارجی و داخلی به چالش کشاند؛ لذا می‌توان برای هر سه مرحله از تهدیدها، علاوه بر جنگ و منشأ خارجی، منشأ داخلی نیز متصور بود. اقدامات تهدیدآمیز علیه امنیت سیاسی، اجتماعی، یا حوزه‌های دیگر امنیت جامعه، همانند تجزیه‌طلبی می‌تواند از حوزه امنیت داخلی، تمامیت ارضی را تهدید نموده و به تبع آن جامعه در معرض تهدید قرار گیرد.

رابطه انتظام و امنیت: شاید هیچ واژه‌ای را نتوان یافت که به اندازه امنیت با نظم در ارتباط باشد. اساساً نظم نوعی امنیت را برای افراد به ارمغان می‌آورد؛ بنابراین می‌توان چنین ادعا نمود که هر نظامی، نوعی امنیت را به ارمغان می‌آورد (افتخاری، ۱۳۷۹: ۳).

افتخاری معتقد است که باید امنیت را مهم‌ترین دستاورد تئوری انتظام دانست که با فراهم آوردن بستر مناسب برای شهروندان امکان و شرقی مادی و معنوی را به آن‌ها می‌دهد. از این منظر انتظام، امری ضروری به شمار می‌آید که دولت و شهروندان، مکلف به ایجاد و صیانت از آن هستند، چراکه در غیر آن جامعه دستخوش ناامنی شده و بدین وسیله منافع ملی و فردی تهدید می‌گردد.

موضوع امنیت‌سازی در وظایف و مأموریت‌های دولت دیده می‌شود. در نتیجه می‌توان گفت که امنیت‌سازی از آن دست مباحثی است که دولت‌ها برای به وجود آوردن نوعی نظم باید بدان مبادرت نمایند؛ به عبارت دیگر نظم فرع تولید امنیت است؛ یعنی با ایجاد نوعی امنیت در کشور در سطوح مختلف می‌توان به نوعی نظم و انتظام خاصی در آن حوزه دست یافت. برای مثال؛ در پاره ای موارد در جامعه مشاهده می‌شود با ایجاد بی‌نظمی در ترافیک خیابانی، مردم احساس امنیتشان کاهش پیدا می‌کند. وقتی که در یک چهارراه چراغ راهنمایی از کار می‌افتد و مأمور راهنمایی و رانندگی هم حضور ندارد، مشاهده می‌گردد که حقوق یکدیگر تعرض می‌گردد، شاید بتوان گفت

اینکه بدانیم کجا حقوق کسی رعایت نشده است مشکل می‌شود ولی در این موارد شاهد صدای بلند، توهین، جروبحث و در برخی موارد دعوا و برخورد فیزیکی هستیم که شهروندان بنا به شرایط جنسی و سنی در بیشتر این موارد احساس ناامنی می‌کنند. در این صورت است که می‌بینیم موضوع انتظام ترافیک به احساس ناامنی هم منتهی می‌گردد.

به‌رحال می‌توان نتیجه گرفت که از بعد جامعه‌شناسی سیاسی نظم، انتظام و تنظیم جامعه امری متأخر و فرع بر تولید و ایجاد امنیت است. از این نکته به‌خوبی می‌توان دریافت که مفهومی با عنوان «امنیت داخلی» اصولاً با مفهوم دیگری با عنوان انتظام ملی ارتباطی وثیق و معنادار می‌یابد و می‌توان مأموریت‌هایی چون حفظ امنیت را متأخر از آن دانست.

بسیج در گذر زمان

پس از آنکه پیامبر گرامی اسلام حضرت محمد مصطفی (صلی‌الله‌علیه‌وآله)، در مدینه اقدام به تشکیل و تأسیس جامعه اسلامی نمودند، دشمنان اسلام امنیت خود را در خطر دیدند و به مبارزه با نظام نوپای اسلامی برخاستند و در همان سال‌های اول هجرت دو جنگ بدر و احد به وقوع پیوست که در این جنگ‌ها، مشرکین کاری از پیش نبردند. سپس دشمنان اسلام، در جنگ خندق که در حقیقت اتحاد و تلفیق مشرکین آن عصر بود با مساعدت منافقین و یهودیان اطراف شهر مدینه به آوردگاه جنگ با مسلمانان آمدند که با عنایات خداوند متعال، مسلمانان پیروز و به دنبال آن هرروز پیروزی اسلام بیشتر شد. تنها کمک آن حضرت در این نبردها، فقط نیروی بسیج مردمی بود که آن‌هم به استناد «وَأَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» (سوره انفال، آیه ۶۰) به پیامبر به‌طور صریح امر شده بود که همه تیراندازی، سوارکاری و فنون نظامی و جنگ را فراگیرند. البته نباید فراموش شود که پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در جنگ‌ها فقط و فقط از نیروهای مردمی بهره نمی‌برند، بلکه در صحنه‌های مختلفی از جمله موضوعات اقتصادی، فرهنگی و حتی سیاسی نیز آن‌ها را بکار می‌گرفتند.

سابقه بسیج در انقلاب اسلامی بازمی‌گردد به صدور فرمان حضرت امام (رحمت‌الله‌علیه) به‌منظور تشکیل ارتش بیست‌میلیونی در پنجم آذرماه سال ۱۳۵۸. هرچند که حضرت امام (رحمت‌الله‌علیه) هیچ‌گاه از افتخارات بزرگ خود سخن نمی‌فرمودند لکن، همیشه و همه‌جا، بسیجی بودن را تنها افتخار خود محسوب می‌کردند و به‌روشنی و خیلی صریح می‌فرمودند: از اینکه که خود یک بسیجی‌ام افتخار می‌کنم. حضرت امام (رحمت‌الله‌علیه) درباره بسیج و بسیجیان فرمودند: «بسیج، مدرسه عشق، مکتب شاهدان و شهیدان گمنامی است که پیروانش بر گلدسته‌های آن اذان شهادت و

رشادت سر داده‌اند، بسیج میقات پابرهنگان و اندیشه پاک اسلامی است که تربیت‌یافتگان آن نام و نشانشان را در بی‌نشانی و گمنامی گرفته‌اند.» (امام خمینی، ۱۳۶۱: ۱۹۴).

مقام معظم رهبری، حضرت آیت‌الله‌العظمی امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) نیز به تأسی از تفکر حضرت امام (رحمت‌الله‌علیه) درباره بسیج می‌فرمایند: بسیج شامل؛ تمام نیروهای مؤمن اعم از زن و مرد که پرشور، توانمند و بانگیزه، توانایی دفاع از این انقلاب و کشور را دارند. ایشان همچنین فرمودند: بنده نیز همانند امام راحل‌مان از خداوند می‌خواهم و آرزو مندم با بسیجیان عزیز محشور شوم. در کشور ما باید ارتش بیست‌میلیونی به معنای واقعی کلمه، تحقق پیدا کند و این مهم تنها با جذب و سازماندهی امکان‌پذیر می‌باشد. در حقیقت، بسیج پدیده‌ای است انقلابی که آحاد ملت و مخصوصاً مسئولین جامعه باید همیشه متوجه قدر و منزلت آن باشند. در واقع با قوی شدن بسیج، دیگر هیچ نیرویی در این دنیا جرئت تعرض به کشور و انقلاب را نخواهد داشت (لکزائی، ۱۳۹۲: ۲۱۵).

فرهنگ، تفکر و تشکل بسیجی: فرهنگ عبارت است از ارزش‌هایی که یک گروه معین دارد، هنجارهایی که از آن پیروی می‌کند و کالاهای مادی که تولید می‌کند. مقام معظم رهبری در ارتباط با فرهنگ بسیجی می‌فرمایند: «بسیجی کسی است که برای ارزش‌های اسلام اهمیت قائل بوده و معتقد به خدا است. در مقابل پروردگار عالمیان خاضع و خاشع بوده و می‌خواهد پاک و از رذایل اخلاقی دور باشد، بندگی خدا کند و بر طبق فرمان او زندگی نماید، این است مفهوم واقعی بسیجی، این همان فرهنگ بسیجی می‌باشد». ایشان در جای دیگری فرموده‌اند: «فرهنگ بسیجی، آن چیزی است که ما برای هریک از آحاد جامعه اسلامی، آرزو می‌کنیم، به همین دلیل است که می‌گوییم همه باید بسیجی باشند» (نجفی، ۱۳۹۱: ۲۳۵).

تفکر بسیجی یعنی؛ شناخت مجموعه خصوصیات و ارزش‌های بسیجیان و ایجاد این خصوصیات و ارزش‌ها در رفتار و روحیه آحاد مردم. این تفکر در حقیقت ترکیبی است از؛ تلاش مخلصانه، ایمان عمیق، گذشت و ایثار در برابر دوست، هوشیاری در شناخت دشمن و ایستادگی و مقاومت شجاعانه و خستگی‌ناپذیر در برابر دشمن... و این همان حقیقت والایی است که حضرت امام (رحمت‌الله‌علیه) به خاطر آن، به بسیجی بودن افتخار می‌کرد؛ البته این تفکری فقط از طریق خودسازی روحی، معنوی، علمی، فکری و ایمان قوی و پایدار در بین بسیجیان تحقق پیدا می‌کند (سازمان بسیج دانشجویی، ۱۳۷۸: ۴۸).

بعد دیگری از ابعاد بسیج به‌عنوان یک سازمان بسیار گسترده، تشکل بسیج است. تشکل بسیج

یعنی؛ تشکلی است مردمی که به دنبال جذب، آموزش، سازماندهی و حفظ و انسجام بسیجیان برای ایجاد آمادگی لازم به منظور انجام مأموریت‌های محوله از سوی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در جهت حفظ و تقویت نظام اسلامی بوده و از انعطاف سازمانی، ولایت محوری و آینده‌نگری برخوردار است (لکزائی، ۱۳۹۲: ۴۴).

برای تشکل بسیج می‌توان پنج شاخص اصلی زیر را بیان کرد:

۱) سازماندهی منعطف بسیج: این سازماندهی باید متناسب با تهدیدات نظام مقدس جمهوری اسلامی، خود را منطبق کند.

۲) مردمی بودن بسیج: لازمه مردمی بودن بسیج، حضور گسترده مردم در این سازمان می‌باشد.

۳) ولایت محور بودن بسیج: از آنجاکه فرمان تشکیل بسیج براساس رهنمودهای ولی فقیه زمان، حضرت امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه) بوده و به دنبال آن ادامه حرکت بسیج بر مبنای دستورات مقام معظم رهبری و فرماندهی کل قواست، بنابراین بسیج سازمانی ولایت‌محور می‌باشد که در آن بسیجیان با قصد تقرب به خدا و براساس تکلیف و وظیفه دینی و الهی خود اقدام می‌نمایند.

۴) آینده‌نگری بسیج: متناسب با وظایف ذاتی بسیج، ضروری است که این سازمان نیز آینده‌نگر باشد.

۵) برنامه‌ریزی بسیج: در راستای تحقق اهداف مصوب و تعریف شده، سازمان بسیج نیز باید متناسب با این اهداف، برنامه‌ریزی لازم را به عمل آورد (لکزائی، ۱۳۹۲: ۲۱۸-۲۱۷).

بسیج و دفاع همه‌جانبه

تشکل سازمان‌یافته مردم در قالب بسیج، مشارکت مردم را در عرصه‌های مختلف انقلاب نشان داد و در اندیشه امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه) همین مشارکت سازمان‌یافته برای حفظ انقلاب، فلسفه اصلی تشکیل بسیج بود. در پنجم آذرماه ۱۳۵۸ هم‌زمان با صدور فرمان تشکیل بسیج توسط حضرت امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه)، سه جریان به‌صورت ناهماهنگ، بسیج مردمی را انجام می‌دادند. جریان اول شامل گروه‌های انقلابی بودند که با امکانات محدود خود به مردم آموزش نظامی می‌دادند. جریان دوم که ستاد بسیج ملی و زیر نظر دولت موقت بود، توسط عناصر لیبرال و ملی‌گرا اداره می‌شد و در نهایت جریان سوم که سپاه پاسداران بود. البته پس از مدتی دو جریان اول و دوم، نقش خود را از دست داده و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به‌عنوان جریان سوم، راهبرد خود را به این شرح اعلام کرد: «تشکیل ارتش ۲۰ میلیونی مقاومت، مرکب از نیروهای مردمی با

سازماندهی، آموزش و طرح‌ریزی‌های اصولی توانمند برای اجرای مأموریت‌های؛ مبارزه با خرابکاری عوامل دشمن، مقابله با جنگ روانی دشمن، شرکت در جنگ فرسایشی و کاهش خسارات ناشی از حملات هوایی دشمن، پشتیبانی از عملیات منظم در مقابله با دشمنان داخلی و خارجی، باشند» (نجفی، ۱۳۸۸: ۱۵۱-۱۵۰).

نقش و حضور بسیج در دفاع همه‌جانبه را می‌توان مشتمل بر موارد زیر دانست؛

- حضور بسیجیان در یگان‌های رزم سپاه در دفاع از کشور؛
- نقش بسیج در ایجاد امنیت داخلی؛
- مقابله با جرائم و مفسدات اجتماعی؛
- مشارکت نیروهای بسیجی در امر جمع‌آوری اطلاعات؛
- حضور بسیج در بسیج سازندگی و کمک به محرومان و مستضعفان کشور در قالب گروه‌های جهادی در اقشار مختلف.

جامعه به‌منظور کاهش محرومیت‌های موجود و برداشتن بار از دوش دولت در امور سازندگی، پیشرفت و توسعه در شهرها و روستاهای جامعه اسلامی، به‌عبارت‌دیگر نیروهای مردمی، عواملی هستند که باتوجه به ارتباط نزدیک آن‌ها با حاکمیت و رهبری و نهادهای انقلابی، با داشتن تفکر ناب محمدی (صلی‌الله‌علیه‌وآله) تلاش دارند نظام اسلامی را در تمامی ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سازندگی، دفاعی و امنیتی حمایت و مساعدت نمایند (افشار، ۱۳۷۶: ۵۵-۵۲).

- حضور بسیج در ارتقای سطح سلامت و بهداشت جامعه؛
- مشارکت بسیج در دفاع از انقلاب اسلامی در خارج از مرزهای کشور.

نقش و کارکرد بسیج در انتظام ملی

می‌توان اذعان داشت که در انقلاب اسلامی هیچ نهادی فراگیرتر از بسیج نیست حتی آموزش و پرورش، چراکه آموزش و پرورش با تمام فراگیری و گسترش خود، فقط شاخه‌ای از بسیج با نام بسیج دانش‌آموزی می‌باشد. باتوجه به اینکه بسیج دارای قلمرویی بسیار گسترده و فراگیر در دانشگاه‌ها، حوزه‌ها، کارخانه‌ها، وزارتخانه‌ها و... می‌باشد، لذا نقش بسیج در ابعاد تشکیل دهنده انتظام ملی به شرح ذیل تبیین می‌گردد؛

(۱) بسیج و عرصه نظامی و امنیتی: ارتباط مستقیم انتظام ملی با نیروهای نظامی کشور روشن است.

لذا هر چه توان نظامی کشوری توسعه یابد، به همان میزان انتظام ملی آن تقویت خواهد شد. درست است که جمهوری اسلامی ایران توانایی افزایش توان نظامی خود را از طریق بسیج، ارتش و به‌کارگیری مشمولین وظیفه دارد، لکن به دلیل مشکل کنترل و به‌کارگیری نیروهای مشمول و تحمیل هزینه‌ها و فشار زیاد به اقتصاد کشور در راستای افزایش کادر ارتش، بهترین روش برای تقویت توان دفاعی خصوصاً در مواقع ضروری، بهره‌گیری از بسیج به‌عنوان نیروی داوطلب نظامی می‌باشد. هرچند اگر نیم‌نگاهی به اطراف کشور به‌ویژه همسایه‌هایمان بیندازیم، تهدیدهای متنوعی را متوجه خواهیم شد و حتی اذعان خواهیم داشت که موفق‌ترین نیرو در کنترل، جلوگیری و مهار حرکت‌های آشوب‌طلبانه اراذل‌واوایش و ایجاد و حفظ امنیت در داخل کشور، بسیج می‌باشد.

باتوجه به گستردگی و فراگیری رده‌های بسیج در جغرافیا و اقشار مختلف جامعه در عرصه‌های گوناگون و همچنین سهولت در جذب، سادگی در سازماندهی و انعطاف‌پذیری در سازمان، بسیج می‌تواند با ایجاد آمادگی‌های عمومی دفاعی در مردم، مشارکت در جهت کمک به دولت برای امداد و نجات و مردم‌یاری در حوادث غیرمترقبه، تقویت و توسعه امنیت پایدار مردمی با قابلیت واکنش سریع محلی، با تأکید بر به‌کارگیری ظرفیت‌های بومی و محلی اعم از گردان‌های بیت‌المقدس و کوثر و رده‌های مقاومت و همچنین پیشگیری، کنترل، آرام‌سازی و مقابله با بحران‌های اجتماعی با تأکید بر حضور گسترده مردمی، نقش بسیار مؤثری در تأمین و حفظ انتظام ملی داشته باشد.

۲) بسیج و عرصه سیاسی: هرچه پایگاه‌های مردمی یک حکومت قوی‌تری باشد آن حکومت مستحکم‌تر و بادوام‌تر خواهد بود؛ بنابراین با عنایت به ویژگی فراگیری بسیج، می‌توان با بصیرت‌افزایی و دادن آگاهی‌های سیاسی لازم به بسیجیان، مشارکت آن‌ها را در صحنه‌های مختلف سیاسی از جمله؛ انتخابات ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی، راهپیمایی‌ها، انجام حرکت‌های اجتماعی برای مقابله با دشمنان انقلاب و ... بیشتر و مؤثرتر کرد. بسیج با پیروی از ولی زمان، همواره یاور و مجری فرمان‌های معظم‌له بوده و در بسیاری از شرایط و صحنه‌های سیاسی، هوشمندانه به یاری انقلاب برخاسته است.

۳) بسیج و عرصه فرهنگی و اجتماعی: ارتقای سطح فرهنگ مردم طبیعتاً باعث ثبات بیشتر انتظام ملی خواهد شد. یکی از تهدیداتی که همواره انتظام ملی یک کشور را برهم می‌زند، پیدایش فرهنگ جدید و معارض فرهنگ عمومی است که این فرهنگ معارض، با تهاجم فرهنگی و یا

توسط نیروهای داخلی به وجود آمده و تغذیه می‌شود. در نتیجه نظام اسلامی خواهد توانست با عنایت به ویژگی عمومی و فراگیر بودن بسیج، سطح فرهنگ بسیجیان را ارتقا بخشیده و برای مبارزه‌ای از جنس فرهنگ با هر فرهنگی که معارض با فرهنگ عمومی جامعه باشد مهیا کند. در همین راستا، بسیجیان با بهره‌مندی از تفکر بسیجی نشئت‌گرفته از معنویت و تزکیه، می‌توانند با عمل خود، زبان، هشدار و ... جلوی منکرات دیگران گرفته و آن‌ها را به ارزش‌های والای اسلامی دعوت نمایند و در صورت فراگیر و همگانی کردن قاموس فرهنگ بسیج در جامعه، جامعه‌ای فاضله و الگوی جهانیان خواهیم داشت.

بسیج با تحکیم باورهای دینی و انقلابی خود از طریق ارتقای معرفت دینی، بصیرت سیاسی و پایبندی به احکام و اخلاق اسلامی، تهاجم به مبانی و عوامل فرهنگی دشمن و افشای ماهیت و روش‌های آنان، ناکارآمد سازی ابزارهای تهاجم فرهنگی دشمن (ماهواره و اینترنت و...)، بهره‌گیری از مشارکت‌های مردمی و سازمان‌یافته بسیجی جهت تقویت نظم و انضباط اجتماعی و قانون‌گذاری در جامعه و همچنین دعوت به ارزش‌های اسلامی و همگانی کردن امر به معروف و نهی از منکر براساس حکمت و موعظه حسنه با تأکید بر جامعه بسیجیان، می‌تواند نقش مؤثری در حفظ انتظام ملی داشته باشد.

۴) بسیج و عرصه اقتصادی: در این عرصه بسیج به سه روش می‌تواند در یاری به کشور مؤثر باشد: الف) گسترش تفکر بسیجی: گسترش تفکر بسیجی در موضوعات اقتصادی باعث خواهد شد که مردم به‌عنوان یک تکلیف به دنبال انجام فعالیت‌های تولیدی و اقتصادی بروند تا هر چه سریع‌تر جامعه اسلامی به خودکفایی برسد. چراکه یک بسیجی براساس «وَكُنْ يَجْعَلِ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (سوره نساء، آیه ۱۴۱) می‌داند که نباید کافران بر مسلمانان تسلط داشته باشد حتی سلطه اقتصادی. لذا توسعه چنین تفکری در عرصه‌های اقتصادی باعث از بین رفتن گران‌فروشی، کم‌فروشی، احتکار و ... در جامعه خواهد شد. در نهایت اشاعه چنین تفکری در اقتصاد جامعه، منجر به فراگیر شدن فرهنگ اشتغال و کار در جامعه خواهد شد.

ب) قناعت کردن: اسراف از نظر بسیجیان حرام است و به‌طور طبیعی از تجمل و مصرف‌گرایی اجتناب خواهند کرد. در نتیجه باتوجه به روحیه قناعت که در آن‌ها نهادینه شده به سمت خرید کالاهای خارجی نرفته و در عوض به این آیه قرآن «وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَىٰ» (سوره نجم، آیه ۳۹) معتقد هستند.

پ) حضور مستقیم: بسیجیان با همیاری یکدیگر می‌توانند شرکت‌های و کارگاه‌های تولیدی اقتصادی زودبازده مفید و ضروری برای جامعه را تأسیس نمایند و با این روش در راستای سازندگی و پیشرفت کشور گام مهمی را برداشته و همچنین به وظیفه ذاتی خودش عمل کنند. حضور فعال و اثربخش نیروهای بسیج مردمی در کمک به دولت برای مردم‌یاری، محرومیت زدایی از مناطق محروم و اجرای طرح‌های توسعه روستایی و منطقه‌ای و ... می‌تواند نقش مؤثری در حفظ انتظام ملی داشته باشد.

ماهیت مردمی بسیج دارای ویژگی‌های خاصی است که این ویژگی‌ها باعث شده‌اند نقش و کارکرد بسیج به‌خوبی نمایانگر شود. از مهم‌ترین ویژگی‌های بسیج وجود دو عنصر ضروری «فراگیری مردمی» و «حضور پیوسته» است که آن را با سایر نیروهای مختلف در تعامل با موضوع امنیت، متفاوت کرده است و به همین دلیل کارکردهایی متفاوت نیز خواهد داشت.

بسیج و کارکردهای آن در امنیت و عمق‌بخشی داخلی

در اینجا کارکردهای بسیج در عرصه امنیت داخلی و در سطوح سخت و نرم‌افزاری را مورد بررسی قرار خواهیم داد. بسیج باتوجه به ویژگی‌های اشاره شده، کارکردهای گسترده‌ای دارد که در اینجا مهم‌ترین آن‌ها در دو سطح سخت‌افزاری و نرم‌افزاری تبیین می‌شوند.

کارکردهای سخت‌افزارانه بسیج در عرصه امنیت داخلی: طبیعتاً هرگاه از کارکردهای سخت‌افزارانه بسیج صحبت می‌شود، صرفاً به جنبه نظامی و یا حضور و قدرت فیزیکی آن توجه می‌شود. البته این قبیل کارکردها را می‌توان در مواجهه با دشمن خارجی و داخلی به‌خوبی دید. یکی از بارزترین این موارد، جنگ ۸ ساله تحمیلی بود. حضور گسترده و پیوسته بسیج در صحنه جنگ تحمیلی، در حقیقت نوعی از کارکرد سخت‌افزارانه بسیج بود. باید توجه کرد که تنها کارکرد سخت‌افزارانه بسیج، فقط جنگ نیست، چرا که حرکت‌های اجتماعی دیگری از جمله: مبارزه با مواد مخدر، کنترل جمعیت، مشارکت در تأمین امنیت تأسیسات حیاتی و حساس، مواجهه با بلایای طبیعی و ... نیز وجود دارند که ریشه در ماهیت بسیج دارند، لکن عرصه امنیت داخلی، مهم‌ترین و بارزترین کارکرد سخت‌افزارانه بسیج می‌باشد.

همچنین می‌توان به مشارکت بسیج در حفظ نظم و انتظام در راه‌های مواصلاتی شهرها، روستاها به‌عنوان کارکرد امنیتی سخت‌افزارانه آن اشاره داشت. امروزه این کارکردها با مشارکت و همکاری با سایر نیروها در سطوح امنیت اجتماعی و انتظامی قابل بیان است. هرچند این قبیل

عملکردها ممکن است دائمی نبوده، اما در مواقع اضطراری و بحرانی، به همین صورت مقطعی و موقتی، از برجسته‌ترین انواع کارکردهای سخت‌افزارانه بسیج محسوب می‌شوند. بسیج در مواقع اضطراری و بحرانی با وظایف بیشتری مواجه می‌شود که نمی‌توان این وظایف را حتی از نیروهای نظامی و انتظامی متوقع بود، لذا، نگاه به بسیج از این منظر موجب گرایش به نظامی‌گری اهمیت دوچندان آن در بسیج شده است. هرچند به‌طور کلی نمی‌شود نافی این رویکرد در بسیج بود، اما باید اذعان داشت که تبیین بسیج صرفاً با وجهه و رویکرد نظامی میسر نمی‌باشد.

هرچند امنیت سخت‌افزارانه انکارپذیر نیست، لکن تمام ماهیت بسیج هم این جنبه نمی‌باشد، بنابراین می‌توان گفت که بسیج حتی در حوزه امنیت داخلی، صرفاً نیرویی خاص برای تأمین امنیت سخت‌افزارانه نمی‌باشد، بلکه به‌عنوان نیرویی متمم و مکمل ایفای نقش می‌کند. رویارویی با گروه‌های مسلح و اشراک، جلوگیری از قاچاق انسان و کالا، امنیت داخلی وابسته به حفظ مرزهای جغرافیایی، مبارزه با مواد مخدر و... را می‌توان از سایر کارکردهای سخت‌افزارانه بسیج برشماری کرد. با همه این تفاسیر، بسیاری از این قبیل وظایف و عملکردها تبعی بوده و از وظایف ذاتی بسیج محسوب نمی‌شوند.

کارکردهای بسیج در عرصه امنیت نرم: تولید، حفظ و توسعه امنیت نرم از مهم‌ترین کارکردهای نرم‌افزارانه بسیج می‌باشد. ویژگی‌های «گسترده‌گی مردمی» و «حضور پیوسته» بسیج در بیان کارکردهای نرم‌افزارانه آن بسیار مؤثر است. همین گسترده‌گی مردمی بسیج به‌عنوان شاخصه‌های مؤثر در قدرت نرم، باعث انگیزش و سازماندهی نیروهای اجتماعی می‌شود.

ویژگی دیگر ماهیت بسیج حضور پیوسته می‌باشد که مسبب اجرای کارکردهای نرم‌افزارانه‌ای این نیروی عظیم اجتماعی در سطح امنیت داخلی است. البته این کارکردها دارای تنوعی خاص بوده و در اینجا به‌طور مختصر فقط نقش و کارکرد نرم‌افزارانه بسیج در مدیریت بحران‌های داخلی را تبیین می‌کنیم. کارکردهای نرم‌افزارانه بسیج در این خصوص، منبعث از ذات و ماهیت و همچنین عملکرد بسیج می‌باشد. بسیج می‌تواند در روند وقوع مراحل بحران‌های داخلی در سطوح گسترده، کارکردهای ویژه‌ای را از خود به نمایش بگذارد. از این منظر، بسیج به اشکال و شیوه‌های مختلفی در این عرصه مشارکت کرده و با ایجاد ارتباطات متنوع اجتماعی و همچنین به‌کارگیری جنبه مردمی خود، می‌تواند در بطن بحران نفوذ و آن را پیش، حین و حتی پس از وقوع، کنترل و مدیریت نماید. نباید فراموش کرد که در این فرایند، بسیج صرفاً یک نیروی سخت‌افزاری نبوده و

بلکه توانایی آن را دارد که با کارکردهای نرم‌افزارانه طی مراحل مختلف مسببات تولید و یا بازتولید انسجام اجتماعی و درنهایت انتظام ملی را فراهم نماید. لذا به همین دلیل است که می‌توان گفت؛ کارکرد نرم‌افزارانه بسیج در تمام مراحل مدیریت بحران بیش از هر کارکرد دیگری اهمیت دارد، البته به شرط آنکه قوه عاقله مدیریت بحران، از بسیج به‌عنوان یک محور اساسی در مدیریت بحران استفاده نماید نه صرفاً به‌عنوان یک ابزار.

نتیجه‌گیری

آنچه در این مقاله به‌اختصار ارائه گردید، تنها بخشی از نقش و کارکرد بسیج در عرصه امنیت داخلی و انتظام ملی است و به عبارتی؛ بسیج دارای ویژگی‌های بسیار زیاد و منحصر به فردی است که در اینجا فرصت تبیین دست نداد. واضح است که امنیت مهم‌ترین خواسته و مطالبه هر انسانی و هر جامعه‌ای است و همچنین تمامی حکومت‌ها و نظام‌ها خود را متولی تولید، حفظ و گسترش و توسعه این مهم می‌دانند. مفهوم امنیت نسبت به گذشته بسیار تغییر کرده و متحول شده است و نگاه‌های بسته و تک‌بعدی قدیمی، دیگر معنا و مفهومی ندارد. انقلاب شکوهمند اسلامی توانست در کشور عزیزمان ایران، منشأ تحولات عظیم و بسیار جدیدی باشد و همچنین تشکیل بسیج نیز به‌عنوان یکی از مهم‌ترین و بااهمیت‌ترین سرفصل‌های تحول‌زا در جمهوری اسلامی ایران محسوب شود. بسیج می‌تواند با تنوع کارکردهای سخت و نرمی که دارد، عرصه‌های گسترده‌ای از ارتباطات ملی و حتی بین‌المللی را تحت تأثیر قرار دهد. نیروی بسیج با انواع کارکردهای حوزه سخت‌افزاری خود که با به‌کارگیری وسیع نیروی انسانی پراکنجه بوده است، توانمندی خود را در صحنه‌هایی از جمله جنگ تحمیلی هشت‌ساله عراق علیه ایران و همچنین حفظ امنیت داخلی اثبات کرده و از این منظر نمی‌توان در آن شائبه‌ای را مطرح کرد؛ اما در عرصه جدید و تحول‌یافته امنیت نرم‌افزاری در جهان، مطالب زیادی می‌توان بیان نمود که در این نوشتار، به‌صورت مختصر بعضی از آن‌ها مطرح و درنهایت کارکردهای خاص بسیج در عرصه نرم‌افزاری امنیت بیان شدند. با عنایت به ویژگی‌های خاص بسیج که همان حضور پیوسته و فراگیری مردمی است و همچنین درکی صحیح از ماهیت و ذات بسیج، می‌توان در عرصه‌های گوناگون امنیت از جمله امنیت داخلی و به‌ویژه در حوزه نرم‌افزاری آن، کارکردهای مختلف و گسترده‌ای را برای بسیج قائل شد.

گسترده‌گی جغرافیایی و جمعیتی، انعطاف‌پذیری و سرعت عمل بسیج، همراه با توانایی‌های

نظامی، امنیتی و فرهنگی - اجتماعی که به‌طور ذاتی در بسیج وجود دارد و همچنین نقشی که رهبران و استراتژیست‌های جمهوری اسلامی ایران برای بسیج در الگوهای مقابله با تهدیدات، مبتنی بر توانایی‌های بسیج برای آن در نظر گرفته‌اند، نشان می‌دهد که بسیج در تأمین و حفظ انتظام ملی و امنیت داخلی جمهوری اسلامی نقش حیاتی دارد. بخصوص برای ایجاد امنیت پایدار داخلی که از یک‌سو بر عناصر فرهنگی و احساس مسئولیت عمومی مردم که بسیج می‌تواند در گسترش آن‌ها به‌ویژه در مناطق دوردست و مرزی، سهمیم باشد و از سوی دیگر در مواقع بحرانی بر حضور بسیجیان آموزش‌دیده و سازمان‌یافته در تمام نقاط کشور متکی می‌باشد، نقش کلیدی و اصلی برعهده بسیج می‌باشد.

منابع

قرآن مجید.

افتخاری، اصغر (۱۳۷۹). انتظام ملی، جامعه‌شناسی سیاسی نظم از دیدگاه حضرت امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه)، تهران: انتشارات سازمان عقیدتی سیاسی ناجا.

افتخاری، اصغر (۱۳۸۰). امنیت اجتماعی رویکردها و نظریه‌ها، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

افتخاری، اصغر (۱۳۸۱). مراحل بنیادین اندیشه در مطالعات امنیت ملی؛ با بهره‌برداری از آثار ریچارد شرز، روی گودن، جورج شوکر، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.

افشار، علیرضا (۱۳۷۶). نگاهی اجمالی بر نقش بسیج در امنیت ملی، مجموعه مقالات و سخنرانی‌های برگزیده سمینار دی‌ماه تهران.

آقابخشی، علی (۱۳۷۵). فرهنگ علوم سیاسی، تهران: مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران.

امام خمینی، روح‌الله (۱۳۶۱). صحیفه نور، جلد ۲۱، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

امین صارمی، نوذر؛ جان نثاری، حبیب اله و قربان زاده گلنگشی، علی (۱۳۹۸). اقدامات تعاملی یگان‌های ویژه ناجا با بسیج و تأثیر آن بر امنیت (مورد مطالعه؛ امنیت مراسم اربعین حسینی (علیه‌السلام))، پلیس ویژه، ۴(۹)، ۱-۴.

بزرگ‌زاده، مهدی (۱۳۷۷). بررسی نظام آموزش بسیج به لحاظ تأثیرگذاری بر امنیت ملی، تهران: دانشگاه امام حسین (علیه‌السلام)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

بهزادی، حمید (۱۳۳۸). اصول روابط بین‌الملل و سیاست خارجی، تهران: انتشارات دهخدا. چاپ دوم.

بوزان، باری (۱۳۷۸). مردم، دولت‌ها و هراس، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.

جزینی، علیرضا؛ نوایی، مجید و محمدی، سعید (۱۳۹۲). تعامل نیروی انتظامی با بسیج در پیشگیری از جرائم امنیتی، پژوهش‌های اطلاعاتی و جنایی، ۸(۳۰)، ۷۵-۱۰۲.

جونز و ت. (۱۳۶۲). خداوندان اندیشه سیاسی، جلد دوم قسمت اول، ترجمه: علی رامین، تهران: امیرکبیر، چاپ دوم.

حسینی، سید تقی؛ مؤمنی، اسکندر و کامکار، مهدی (۱۳۹۹). انتظام، امنیت و تأثیر آن در صنعت گردشگری، امنیت ملی، ۱۰(۳۶)، ۷-۴۲.

رضازاده، اکبر؛ بختیاری، تقی و سلیمی، اکبر (۱۳۹۴). مدل امنیت داخلی در توسعه انتظام ملی، دانش انتظامی، ۱۷(۱)، ۱۰۳-۱۲۶.

زمانی، رضا (۱۳۸۷). کارکردهای بسیج در امنیت داخلی (با تأکید بر کارکردهای نرم افزاری)، مطالعات بسیج، ۱۱(۴۱)، ۳۲-۵۴.

- سازمان بسیج دانشجویی (۱۳۷۸). پرتویی از ولایت، ج ۲، فرهنگ تفکر، بسیج، تهران.
- سپهرنیا، رزیتا و شیخی، محمدطاهر (۱۴۰۰). نقش سرمایه فرهنگی در تأمین امنیت داخلی، مطالعات دفاع مقدس، ۷(۲۶)، ۱۷۵-۱۹۵.
- شفیعی سیف‌آبادی، محسن (۱۳۹۸). سردار سلیمانی و بسیج مردمی در عراق و سوریه (زمینه‌های شکل‌گیری تا نقش و نیات شهید سلیمانی)، مطالعات دفاع مقدس، ۵(۱۸)، ۸۵-۱۰۹.
- صدر، سید محمد (۱۳۷۳). امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، تهدیدات و استراتژی مقابله در زمینه سیاست خارجی، سیاست خارجی، ۹(۱).
- عبدالملکی، هادی و احمدوند، علی‌محمد (۱۳۹۲). نقش بسیج سازندگی در امنیت پایدار، مطالعات راهبردی بسیج، ۱۶(۶۰)، ۱۱۵-۱۴۸.
- بیانات در دیدار با هزاران نفر از بسیجیان در سالروز شهادت امام صادق (علیه‌السلام) و مناسبت هفته بسیج در تاریخ ۱۳۸۴/۹/۷.
- بیانات در دیدار با گروه کثیری از پاسداران و بسیجیان در تاریخ ۱۳۷۷/۹/۲.
- عرب‌نصرت‌آبادی، محمدتقی (۱۳۷۶). نقش بسیج در امنیت ملی ج.ا.ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- عمید، حسن (۱۳۷۳). فرهنگ عمید، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- فاستر، مایکل ب (۱۳۶۱). خداوندان اندیشه سیاسی، جلد اول، قسمت اول (افلاطون، ارسطو)، ترجمه: جواد شیخ‌الاسلامی، تهران: امیرکبیر، چاپ دوم.
- کلهر، رضا (۱۳۸۸). درآمدی بر امنیت انتظامی، چاپ اول، تهران: سازمان تحقیقات و مطالعات ناجا.
- لکزائی، حبیب (۱۳۹۲). بسیج و امنیت ملی، مطالعه موردی استان سیستان و بلوچستان، تهران: مؤسسه فرهنگی-هنری ابن‌الرسول (صلی‌الله‌علیه‌وآله).
- لی نور، جی مارتین (۱۳۸۲). چهره جدید امنیت در خاورمیانه، ترجمه قدیر نصری، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ماندل، رابرت (۱۹۹۴). چهره متغیر امنیت ملی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- موسوی، میرنصف؛ سادات کهکی، فاطمه و صفری، محمد (۱۳۹۵). نقش بسیج در تأمین امنیت پایدار مناطق مرزی استان آذربایجان غربی، علوم و فنون مرزی، ۵(۱۸)، ۱-۲۱.
- میرزایی، مهدی (۱۳۹۸). بررسی عوامل مؤثر بر افزایش مشارکت و هم‌افزایی بین بسیج جامعه زنان فرهنگی با نیروهای پلیس زن در نهادهای نمودن و ارتقاء فرهنگ نظم و امنیت برای زنان (موردمطالعه: بسیج فرهنگیان خواهران استان ایلام)، دانش انتظامی ایلام، ۸(۳۲)، ۹۲-۱۱۱.
- نجفی، ابراهیم (۱۳۸۸). پروژه تدوین سند راهبرد بسیج، تهران: پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج.

نجفی، محمدرضا (۱۳۹۱). عوامل مؤثر بر توسعه توانمندی‌های دفاعی-امنیتی بسیج، مطالعات دفاعی استراتژیک، ۱۲(۵۰).

هافندرون، هلگاه (۱۳۷۱). معمای امنیتی: نظریه‌پردازی و ایجاد قواعد درزمینه امنیت ملی، سیاست خارجی، ۶(۴).

هانتینگتون، ساموئل (۱۳۸۲). سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر علم.

Alkamel al-sayyid, Mustapha (1998). "legitimacy and sedulity in Arab countries 1989", In: new frotiersin middle East sewlity, Lenore alartined. London, alacunillan press.